

در طول تاریخ، فجایع و مصیبت های فراوانی اتفاق افتاده و هم اکنون نیز در حال رخ دادن است، چه بسایرند جنگ های بزرگی که در آن هزاران و بلکه میلیون ها نفر از مرد و زن و پیر و جوان و طفل و کودک، کشته شدند. چه فراوانند ظلمها و جنایات فسادت باری که لکه ننگ آن برای همیشه بر جبین تاریخ بشریت باقی خواهد ماند. اما در این میان عظمتی و هولناکترین فاجعه ای که تا قیام قیامت هم بی مانند خواهد ماند، واقعه کربلاست. لذا جای این سوال باقی است که چرا از میان این همه وقایع تلخ تاریخی، این تنها عاشورا است که به عنوان سخت ترین و مصیبت بارترین واقعه مطرح می شود با اینکه به حسب ظاهر در مقایسه با دیگر فجایع تاریخی، هم تعداد کشته های این رخداد کمتر بوده است و هم اینکه کم نبوده اند کسانی که در راه دفاع از ارزش ها و آزادی و حریم وطن خود، خالصانه به کارزار جنگ رفتند و مظلومانه کشته شدند؟! **نقش یک آموزه کلیدی در اسلام**

در پاسخ به این سوال، دلایل متعددی ارائه شده ولی به نظر نگارنده آنچه که باعث شده است نهضت عاشورا، تبدیل به بی نظیرترین واقعه تاریخی شود، مسئله و جایگاه «امامت» در این قیام است و همین امر هم سبب تفاوت ماهوی این واقعه با بسیاری از حوادث به ظاهر هولناک تر و فاجع تر شده است. بر اساس آموزه های اسلامی، ملاک ارزش گذاری رفتارهای انسانی تنها حسن فعلی عمل نیست. اینگونه نیست که عمل صالح، عملی باشد که تنها حجم و شکل خیره کننده ای داشته باشد بلکه حسن فاعلی و نیت انجام دهنده آن هم نقش تعیین کننده در فضیلت و برتری یک عمل دارد. به همین دلیل است که به خاطر یک اطعام دادن به ظاهر ساده و محدود، آیه ای از قرآن در تمجید و تحسین اهل بیت علیهم السلام نازل می شود. این اتفاق گرچه حجم اجتماعی کوچکی داشت ولی در چنان حدی از اخلاص بود که در ملکوت اعلی انعکاس یافته و عکس العمل تمجید و تحسین به وجود آورد.

در میان همه ضربات شمشیری که زرمندگان صدر اسلام در جنگ ها زدند، پیغمبر اکرم(ص) تنها در مورد یک ضربه شمشیر فرمود که از عبادت همه جنیان و انسان با ارزش تر است. «ضربه علی یوم الخندق افضل من عبادة الثقلين». مقدار و شکل این ضربه با ضربات شمشیر دیگران تفاوتی نداشت، اما چرا این ضربه برتری پیدا کرد؟ دلیل ارزش آن، این است که این ضربه برخاسته از وجودی بود که در اعلی مراتب معنویت، خلوص و قداست قرار داشت لذا حتی اثر دنیوی که بر این ضربه مرتب می شود، اثری متمایز و منحصر به فرد است.

بنابراین تنها راه شناخت عمق فاجعه و مصیبت اهل بیت

رمز و راز مصیبت کربلا



علیهم السلام در واقعه عاشورا، شناخت منشا پاک ترین و مقدس ترین نیت ها یعنی وجود مقدس امام است. آنچه در کربلا اتفاق افتاد، بسیار فراتر از مصیبت یک شخصی بود که در مقابل دیدگانش، باوقافترین یاران و نزدیکترین اصحاب و فرزندان و جگرگوشه ها و حتی طفل شیرخوارش را به شهادت رساندند. مصیبت، مصیبت امامی است که باید برای هدایت امت از گمراهی جهالت و تجر ضلالت، دار و ندار خود را به قربانگاه ببرد. **در پای یک قله دست نیافتنی**

مطلبی که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که گرچه به فرموده امام رضا علیه السلام شناخت حقیقت جایگاه رفیع امامت برای بشر میسر نیست: «مگر مردم می توانند مقام و منزلت امامت را درک کرده و جایگاه آن را در میان امت پیدا کنند؟... نشان و جایگاه امامت رفیع تر و والاتر و پر رمز و راز تر از این است که مردم بتوانند با عقول خود بدان دست یابند.» ولی به هر حال با مراجعه به بیانات نورانی ائمه اطهار علیهم السلام در مورد معرفی ویژگی های امام، می توان به قدر

در ادامه علامه (ره) طبق منهج تفسیری قرآن به قرآن که از ابداعات ایشان است، می افزاید: قرآن کریم هر جا نامی از امامت می برد، به دنبال آن، متعرض مسأله "هدایت" می شود، تعرضی که گویی می خواهد کلمه نامبرده را تفسیر کند. مثلاً در آیه ۲۴ سوره سجد می فرماید: «و ما از ایشان امامانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می کردند، و این مقام را بدان جهت یافتند که صبر می کردند، و به آیات ما یقین داشتند.»

سیس چنین نتیجه می گیرند که طبق این آیات، وصفی که از امامت شده، وصف تعریف است یعنی می خواهد امامت را به مقام هدایت معرفی کند. از سوی دیگر همه جا این هدایت را مقید به "امر" کرده ، و با این قید فهمانده است که امامت به معنای مطلق هدایت نیست، بلکه به معنای هدایتی است که با امر خدا صورت می گیرد و این امر هم همانست که درباره اش فرموده: اِنَّمَا أَمْرُهُ إِذْ أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ، امر او وقتی اراده چیزی کند تنها همین است که به آن چیز بگوید باش، و او هست شود.

حقیقت مغناطیس امامت
بنابراین امام، شخصی است که با "امر" ملکوتی که در اختیار دارد، مردم را هدایت می کند یعنی هدایت را ایجاد می کند، امامت از نظر باطن یک نحوه ولایتی است که امام در اعمال مردم دارد، و هدایتش چون هدایت انبیاء و رسولان و مؤمنین صرف راهنمایی از طریق نصیحت و موعظه حسنه و آدرس دادن نیست، بلکه هدایت امام دست خلق را گرفتن و به راه حق رساندن است. هدایتی که منصب امام است، یک نوع تصرف تکوینی در نفوس می باشد که بوسیله آن تصرف، راه را برای رساندن دل ها و نفوس به کمال و انتقال دادن آن ها از موقتی به موقتی بالاتر هموار می سازد.

حاصل اینکه هر چیزی قلب و ملکوتی دارد و امام در عالم طبیعت مظهر مقلب القلوب است و هر چیز را بر اساس ملکوت آن و بسا تصرف در قلب آن هدایت می کنند. امام همان گونه که مقامی ملکی برای تأمین امور دنیایی مردم دارد، مقامی ملکوتی نیز دارد که با «کن فیکون» و پیوند با روحها، دلهای مردم را هدایت می کند.

اینکه می بینیم حزی پیدا می شود که بین جهنم و بهشت دفعات بیشتی می شود، این یک تصرف لازم دارد. این با تبلیغ و موعظه و امثال اینها محقق نمی شود، و الا از همان روزی که کاروان امام حسین(ع) با سباه جز برخورد کرد، امام(ع) بارها به تبلیغ و موعظه او و همراهانش اقدام کرد ولی در او اثر نکرد. این کشش و جنبه ای که در دل پیدا می شود این به امر الله است که «إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»: امام با این امر تکوینی خدا در دلها اثر می گذارد.

آشنایی با قرآن



متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره مطفین

شب آخر به جای اینکه مثلاً پنج هزار تومان به او بدهد، سه هزار و هشتصد و نود و پنج تومان داده بود. واعظ گفته بود: «چرا کم گذاشتی؟!» او هم جواب داده بود: «به دلیل اینکه تو کم گذاشتی، تو می خواستی کم نگذاری تا من هم کم نگذارم.»

این حقیقی است، اگر بنامت انسان طی بکند (تازه اگر طی کردن در چنین مواردی درست و شرعی باشد) طی کردن تعهد شرعی می آورد.

تطیف حوزه های علمیه از زبان مرحوم اشراقی

یادم هست در ایام طلبگی ما، مرحوم اشراقی- واعظ معروف قم- در منبری که همه علمای بزرگ هم آنجا بودند همین آیه را عنوان کرد: **ویل للمطفین.** الذین اذا اتکالوا علی الناس یستوفون.

بعد «تطیف» را معنی کرد و توسعه داد [به این صورت] که هر کسی در جامعه فروشنده است و فروشنده ها تنها آنهایی نیستند که پشت پاچال هستند، بلکه هر کسی، هم خریدار است و هم فروشنده و دانما انسان در جامعه می خرد و می فروشد. بعد که در آن حوزه های علمیه شد، رو کرد به طرف علما و گفت:

ما حوزه های علمیه الان خودمان کم فروش شده ایم. شما نگاه کنید در پانصد ششصد سال پیش حوزه های علمیه ما به منزلت دانشگاه بود؛ یعنی در این حوزه های علمیه فقه تدریس می شد، اصول و ادبیات عرب تدریس می شد، تاریخ و ریاضیات تدریس می شد، فلسفه و نجوم تدریس می شد؛ هر عالمی که در آن دوران قدیم بوده، از همین حوزه ها بیرون آمده؛ بوعلی سینا از حوزه بیرون آمده، ابوریحان بیرونی از حوزه بیرون آمده... ولی ما کم کم اینها را کم گذاشتیم [و در نتیجه] دیگر حوزه های ما مورخ و ادیب و ریاضیدان تربیت نمی کند، حتی علوم ریاضی قدیم خودمان را دیگران بعضی کتابهایش را می برند و می خوانند.

پس ما ماندم و فقه و اصول، در فقه و اصول هم کم گذاشتیم و فقط به سه چهار باب معین مثل کتاب البیع و ... پرداختیم. پس همه کم فروش شده ایم، ما هم در حوزه کم فروش شده ایم.

این یک حقیقی است، گرچه او به زبان خطابه گفت: مفسرین هم گفته اند که هر صنفی در کار خودش می تواند کم فروش باشد و می تواند تمام فروش باشد.

الا یظن اولئک انهم معبوثون. لیوم عظیم. آیا اینها فکر نمی کنند برای روز بزرگی برانگیخته می شوند؟! یوم یقوم الناس لرب العالمین. آن روزی که مردم برای حق به پا می خیزند (یعنی در پیشگاه حق به پا می خیزند و احضار می شوند).

کلا یعنی از این مقوله سخن مگو، برویم دنبال نتیجه کار. ان کتاب الفجار لقی سحین. همانا نوشته فاجران در سحین است.

مطفین از فجارند

از اینجا معلوم می شود که مطفین از نظر قرآن جزو فجار هستند، چون قرآن آنها را فاجر خوانده. امیرالمؤمنین(ع) در ایام خلافتشان گاهی آن دره و تازیانه ای که داشتند برمی داشتند و در کوچها و خیابان ها می گشتند.

گاهی به بازار می آمدند و فریاد می کشیدند: التاجر فاجر الا من اعطی بحق و اخذ بحق (تاجر، فاجر است مگر اینکه به حق بدهد و به حق بگیرد) اینجا هم قرآن کاسب هایی را که به حق نمی دهند فاجر نامیده است و فرموده: نوشته اینها در سحین است. بعضی (این جمله (ان کتاب الفجار لقی سحین) را این طور تفسیر کرده اند: «سرنوشت اینها سحین است» چون مقصود از مکتوب، همان عمل [نوشته شده] است و نوشتن عمل هم غیر از نوشتن روی کاغذ است، در آنجا حقیقت عملشان تجسم پیدا می کند. [پس معنی چنین می شود:] اینها و عملشان در سحین هستند.

معنی سحین

«سحین» از ماده «سجن» است و «سجن» یعنی زندان. اگر در زبان عرب لغتی بر وزن «فعلیل» بیاید معنایش مبالغه است، مثل وزن «فعال» که برای مبالغه است. مثلاً یک وقت می گویند «فلانی شارب الخمر است»، این بیش از این نمی رساند که فلانی شرابخوار است. ولی یک وقت می گویند «فلانی شارب الخمر است» یعنی خیلی شراب می خورد، یا می گویند «شریب است». این هم یعنی آدم خیلی شرابخوار و دائم الخمر است. «سحین» آن زندان خیلی زندان را می گویند کما اینکه در نقطه مقابل، «علیون» یعنی آن بالای خیلی بالا. کتاب مرقوم، نوشته ای روشن و بی ابهام به طوری که هر کسی آنجا برود مکتوب خودش را (یعنی اعمال خودش را) واضح و روشن می بیند. ویل یومئذ للمکذبین، الذین یکذبون بیوم الدین. وای در این روز بر کسانی که چنین روزی را دروغ پنداشتند! باز اشاره به همین مطفین است که در عمل، این روز را دروغ دانسته اند. شامل فجار مسلمین هم می شود (چون اصلاً بحث روی فجار است). البته شامل کفار مطلق هم به طریق اولی می شود. و ما یکذب به الا کل معذ انهم، اذا تتلی علیه ایتانا قال اساطیر الاولین. کلا بل ران علی قلوبهم ما کانو یکسبون. کلا انهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون.

جدول شماره ۹۴/۷۳۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

افقی:

۱- پرند نامهرب- قهرمان رمان بینوایان

۲- چه وقت- مؤسس- از درس حوزوی

۳- مخفف افسانه- در خشنده- کوهی در غرب شیراز

۴- چاهی در قیامت- به عربی یعنی همراه او- تقوا- از جنس بیخ

۵- منظرگاه خانه های آپارتمانی- یکصد مترمربع- مرکز مغز

۶- از شهرهای هند- جمع کره

۷- بحر- بس- ناب بودن

۸- پرندهای خوشخوان- تلخ- قلم خارجی- واحد شمارش شیشه

۹- همکاری- صفتی برای شاگرد گوش به فرمان- از سلاح های قدیمی

۱۰- خیزش- نامی ترکی- ماه

۱۱- تکخال- نوعی پوشش زمستانی- ضمیر اول شخص مفرد- خرس آسمانی

۱۲- اطراف زمین را فرا گرفته- سلاح کاشتنی- به گندم و جو اطلاق می شود- در رگ جریان دارد

۱۳- شیوه- حالتی درخور ترحم- نوعی بیماری روانی

۱۴- رشته کوهی آمریکایی- رئیس وزار تخانه- ای

۱۵- اصطلاحاً به بازیابی نیروی ورزشکار می گویند- اثری از داستایوفسکی

عمودی:

۱- از- مصاد مصرفی در مرده شورخانه- از دستگاه های موسیقی ایرانی

جواب جدول شماره ۹۴/۷۳۴

۵	۹	۳	۲	۴	۶	۷	۱	۸
۲	۱	۷	۹	۳	۸	۵	۶	۴
۸	۴	۶	۱	۷	۵	۲	۹	۳
۳	۲	۸	۴	۹	۷	۶	۵	۱
۶	۷	۴	۵	۲	۱	۸	۳	۹
۱	۵	۹	۸	۶	۳	۴	۲	۷
۷	۶	۲	۳	۱	۴	۹	۸	۵
۴	۸	۱	۶	۵	۹	۳	۷	۲
۹	۳	۵	۷	۸	۲	۱	۴	۶

جدول شماره ۹۴/۲۰۹

9	8	7	1					
5	8	7	1	6				
		4	7	9				
2		9	7	6	3			4
3	8	5	4	9	5			7
				4	9	1		
		8	3	6	7	2		
8		3	2					

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می شود و نباید تکراری باشند.

جواب جدول شماره ۹۴/۲۰۸

5	9	3	2	4	6	7	1	8
2	1	7	9	3	8	5	6	4
8	4	6	1	7	5	2	9	3
3	2	8	4	9	7	6	5	1
6	7	4	5	2	1	8	3	9
1	5	9	8	6	3	4	2	7
7	6	2	3	1	4	9	8	5
4	8	1	6	5	9	3	7	2
9	3	5	7	8	2	1	4	6